

مهمی از توان مدیریتی بازارهای سرمایه در دستان آنها، در استراتژی‌های فعالان بازارهای سهام از درجه اول اهمیت برخوردار است.

علاوه بر موارد ذکر شده، نظام بازتوزیع درآمدها، سیستم مالیاتی، فضای عمومی کسب و کار و سرمایه‌گذاری، طرق کسب درآمد و انباشت پس‌اندازهای شخصی، شیوه تعیین دستمزدها، میزان و نحوه حضور دولت در کارکردهای نظام اقتصادی، نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، همه و همه از جمله دیگر مواردی هستند که عملکرد سیستم‌های بازنشستگی و به تبع آن طرح‌های مستمری را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهند. از طرف دیگر، برخورداری صندوق‌های بیمه و بازنشستگی از بخش قابل‌توجهی از کیک اقتصاد، فعالیت بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی تحت‌نظر این صندوق‌ها، اشتغال بخش قابل‌توجهی از نیروی کار در این بنگاه‌ها، درگیری بسیاری از شاغلان با بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی و مواردی از این دست، به راحتی می‌تواند متغیرهای کلان اقتصادی- اجتماعی را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد.

در چنین فضایی است که می‌توان دامنه تحلیل را از موضوعات درون‌ساختاری صندوق‌های بیمه و بازنشستگی خارج کرد و در ابعادی وسیع‌تر با متغیرهای بیشتر به تحلیل موضوع پرداخت. در این شرایط به راحتی می‌توان پی برد که آیا موضوع (issue) مدنظر ما (در اینجا صندوق‌های بیمه و بازنشستگی) در کشور به مشکل (Problem) تبدیل شده یا به مرحله بحران (crisis) رسیده است؟

اندوخته‌گذاری کامل، اندوخته‌گذاری جزئی یا PAYG، به دنبال برقراری توازن مالی بین جریان ورودی‌ها (حق بیمه‌ها و بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها) و خروجی‌های (مقرری‌های مستمری‌بگیران) صندوق هستند که در بسیاری موارد حجم این جابه‌جایی‌ها به اندازه‌ای است که شاخص‌های کلان اقتصادی را به راحتی تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و نیز از تغییرات آنها تأثیر می‌پذیرند. سهم پس‌انداز از درآمد ملی، الگوی مخارج مصرفی، میزان ثروت ملی، صورت‌بندی‌ها و ابزارهای مالکیت، سطح نرخ‌های بهره و بازده سهام از جمله این شاخص‌های کلان اقتصادی به شمار می‌روند که به میزان قابل‌توجهی تحت‌تأثیر نحوه عملکرد صندوق‌های بازنشستگی قرار دارند. افزایش/کاهش نرخ پس‌انداز ملی، به دلیل افزایش/کاهش نرخ حق بیمه یا کاهش/افزایش مزایای بازنشستگی، به منزله کاهش/افزایش سطح مصرف فعلی با هدف افزایش/کاهش سطح مصرف در آینده است. تحولات بازار کار که خود را در قالب کمبود یا مازاد عرضه نیروی کار نشان می‌دهند، می‌توانند به طور مستقیم منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی را در میان مدت و بلندمدت تحت‌تأثیر قرار دهند و در شرایطی خاص حتی منجر به تغییرات ساختاری در آنها شوند.

بازارهای سرمایه یکی از اصلی‌ترین نقاط تأثیرگذاری صندوق‌های بازنشستگی به شمار می‌روند؛ به طوری که در اغلب موارد، تصمیمات کارگزاران اقتصادی فعال در حوزه مدیریت این صندوق‌های پس‌انداز، به دلیل برخورداری از حجم بسیار بالای دارایی‌های سرمایه‌ای و تمرکز بخش

الگوی رفتار تفصیلی سیستم در تعامل با محیط عملکردی

